

متن پرسش

سلام علیکم: در جواب یکی از سوالات اینطور فرموده اید: «اساساً هیچ خوابی حجت نیست مگر آنکه خود فرد از آن اشاراتی برای خودش بگیرد.» تعجب می‌کنم که شما با سابقه سالها تفسیر قرآن آیا تا بحال سوره یوسف را دقت نکرده اید؟ سوره ای که از جانب خداوند متعال احسن القصص نامیده شده؟ حضرت یعقوب چطور پی به جایگاه بالای یوسف و نبوت او برد؟ غیر از رویای سجده ماه و خورشید و ستارگان بود؟ چرا گفت که روایت را برای برادرانت تعریف نکن؟ برادران یوسف همه پیغمبرزاده بودند و جایگاه رویا در دین را می‌دانستند! اگر خواب حجت نبود آیا به او حسادت می‌کردند؟ اگر خواب حجت نبود اصلاً چه دلیلی داشت قرآن یک مساله لغو و بی‌ارزشی را بازگو کند؟ شاید بگویید یوسف پیامبر بود! خب خواب زندانی هم بند او چه؟ چرا یوسف برمبنای آن خواب گفت مرا نزد پادشاه یاد کن؟ و چرا اصلاً قرآن این ماجرا را گفته؟ رویای فرعون کافر چه؟ حجت نبود؟ یعنی پیامبر خدا حضرت یوسف علیه السلام بر اساس خواب بی‌ارزش یک کافر برنامه اقتصادی هفت ساله می‌چیند؟ مادر حضرت موسی (ع) و جریان به آب انداختن نوزاد، وحی بر حواریون عیسی (ع)، رویای سربردن حضرت اسماعیل (ع) و... همه باد هوا؟ امام حسین (ع) که در جواب اصرار بر نرفتن کربلا فرمود رسول الله را در خواب دیدم که گفت خدا می‌خواهد تو را کشته و اهل بیت ات را اسیر ببیند، نعوذ بالله اشتباه کرد و آن خواب حجت نبود؟ این حجم عظیم از روایاتی که رویای صالحه را جزئی از اجزای نبوت معرفی می‌کنند (نه فقط مختص معصومین) بی‌ارزش است؟ اینطور با تقلین برخورد می‌کنید؟ خدا عاقبت مان را ختم بخیر کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر رسید تا آن‌چه در کتاب «ده نکته از معرفت نفس» در پاورقی نکته‌ی دوم عرض شده است را عیناً خدمتتان ارسال دارم: موفق باشید

در قرآن از خواب‌هایی نام برده است که از رابطه‌ای بین آنچه شخص در خواب با آن روبه‌رو می‌شود و بین عالم خارج حکایت دارد. مثل خواب حضرت ابراهیم «علیه‌السلام» نسبت به ذبح فرزندشان (۱۰۵/صافات)، و یا رؤیای حضرت یوسف «علیه‌السلام»، و یا رؤیای دو رفیق هم‌زندانی حضرت یوسف «علیه‌السلام»، و یا رؤیای پادشاه مصر، و یا رؤیای رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در رابطه با فتح مکه (۲۷/فتح)؛ که تمامی این رؤیاها چنانچه مستحضرید رابطه‌ای با عالم خارج دارد و صرف خیالات افراد

نیست.

با این همه رؤیا؛ امری است ادراکی که قوه خیال در آن مؤثر است و اگر قوه خیال تحت تأثیر شدید عالم خارج باشد، آن خیالات در رؤیا دخالت‌های شدید می‌کند. همچنان که صفات روحی شخص مثل عداوت و عجب و تکبر و حرص و طمع در خیالاتش تأثیر می‌گذارد. لذا اکثر رؤیاهای تحت تأثیر خیالات نفسانی است. تخیلات نفسانی نیز تحت تأثیر همین عوامل طبیعی یا اخلاقی است که نفس را به تصور آنها واداشته است. پس در حقیقت نفس همان تأثیرات را در خودش حکایت می‌کند و حقیقت دیگری ندارد. بنابراین هر رؤیایی، حقیقت نیست هرچند هر رؤیایی تعبیری دارد که تعبیر آن، عوامل طبیعی و یا عوامل اخلاقی هستند. ولی رؤیاهایی هم هست که با حوادث خارجی و حقایق عالم وجود ارتباط دارند.

رؤیاهای، یا خواب‌های حق: عبارت است از ارتباط نفس با سبب غیبی حادثه‌ای که بعداً در ظرف مکان

و زمان خاص محقق می‌شود. نفس به علت تجردش با وجود برزخی یا عقلی یک حادثه در خواب ارتباط پیدا می‌کند و بعداً آن حادثه در عالم ماده حادث می‌شود. البته نفس پاره‌ای از حقایق آن عالم را به مقدار استعدادش دریافت می‌کند. حال اگر نفس، کامل باشد و گرفتار وهمیات و آرزوها نباشد، حقایق عالم غیب را آنطور که هست به طور کلیت و نورانیت در خواب پیش رویش حاضر می‌بیند، ولی اگر نفس کامل نبود آن حقایق را به نحو حکایت خیالی و در صورت‌های جزئی که با آنها مأنوس است می‌یابد. مثل این که وقتی با معنی «عظمت» در آن عالم، روبه‌رو می‌شود، در خیالش صورت «کوه» ایجاد می‌شود، و یا معنی «مکر» در خیالش صورت «روباه» به خود می‌گیرد، چون عظمت را به کوه، و مکر را به روباه می‌شناسد. یا معنی «افتخار» را به صورت «تاج» و «علم» را به صورت «نور» و «جهل» را به صورت «ظلمت» می‌بیند. و یا مثلاً چون رابطه‌ای بین اذان صبح در ماه رمضان با شروع روزه هست، با دیدن معنی «مؤذن بودن» در آن عالم، صورت «مهرکردن دهان» مردم برای خود می‌سازد. که البته این موضوع؛ رقایق و ظرایفی مخصوص به خود دارد به طوری که گاهی از یک معنی که در خواب می‌یابد صورت عکس آن را در خود می‌سازد. مثل این که در بیداری گاهی با شنیدن لغت ثروت به معنی فقر فقرا منتقل می‌شود.

پس گاهی خواب «صریح و بدون تصرف» است و یا «متمثل معنایی است که نفس با آن روبه‌رو شده، در عین تصرف نفس» و یا «انتقال به چیزی است مناسب آن معنی یا ضد آن معنی» و گاهی آنچنان با تصورات شخص مخلوط شده که اصلاً نمی‌توان فهمید از کدام یک از مبانی مأنوس شخص خواب بیننده تأثیر گرفته، که در این حالت به این رؤیاهای «اضغاث احلام» گویند.

در رؤیاهایی که نفس با اصل موضوع روبه‌رو می‌شود و به صورت مناسب آن منتقل می‌شود، در واقع انسان به اصل موضوعات آگاه شده، به طوری که اگر ملاحظه کرد در حال جمع‌کردن کثافت است،

در واقع صورت به دست آوردن مال زیاد دنیا را به او نشان می‌دهند، در عین آگاهی دادن به او که این مال سرگین و کثافت است. و یا وقتی روبه‌رو می‌شود بر این که بدنش ورم کرده‌است، با صورت به دست آوردن مال زیاد روبه‌رو می‌شود در عین آگاهی دادن به او که بدان! آن چرک و آلودگی است. همچنان که اگر در خواب دید در زندان است، در واقع با صورت شهرت‌یابی‌اش روبه‌رو شده در عین آگاهی دادن به او که این شهرت زندان است، همچنان که اگر دید در زنجیر است، با صورت خوشی و خوش‌گذرانی دنیایی‌اش روبه‌رو شده در عین آگاهی دادن به او که آن گناه است و گرفتاری و زنجیر. در هر صورت با این احوال نمی‌توان به رؤیا اعتماد کرد، چون در حال خواب؛ صورت خیالیه نفس آن قدر جولان دارد که با میل خود صورت‌ها را تغییر می‌دهد و از جایگاه خود خارج می‌کند.

صاحب کتاب «تحف العقول» از قول پیامبر «صلوٰة الله علیه وآله» آورده که حضرت فرمودند: اگر رؤیا از کسی برداشته شد نباید نگران باشد زیرا وقتی کسی راسخ در علم شود، رؤیا از او برداشته می‌شود. این که دستور داده‌اند انسان دائم در حال طهارت باشد و نیز با وضو بخوابد، به سبب آن است که این طهارت موجب طهارت باطن و آزاد شدن از خواب‌های بی‌خود و باطل می‌گردد.

مرحوم محدث‌نوری در جلد ۴ کتاب دارالسلام می‌فرماید: اگر انسان نسبت به خوراکش مواظبت داشته باشد و دقت کند که چه چیز بخورد و چه مقدار بخورد، روح او قدرت سیر در اکناف آسمان‌ها را می‌یابد و گرنه برعکس، پرخوری موجب جولان شیطان در قلب و خیالش در خواب و بیداری می‌شود.

قال رسول الله «صلوٰة الله علیه وآله»: «الرُّؤْيَا ثَلَاثٌ: مِنْهَا أَهْوِيلُ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ بِهَا ابْنُ آدَمَ وَ مِنْهَا مَا يَهُمُّ بِهِ الرَّجُلُ فِي يَفْظَتِهِ فَيَرَاهُ فِي مَنَامِهِ وَ مِنْهَا جُزْءٌ مِنْ سِنَّةٍ وَ أَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ. یعنی خواب سه گونه است: یکی القائاتی که شیطان می‌کند تا فرزندان آدم را بترساند و نگران کند و یکی این که آنچه را در بیداری مورد توجه قرار داده در خوابش آن را می‌بیند (با تغییراتی از طریق صورت خیالیه) و یکی هم خواب‌هایی است که جزئی است از چهل و شش جزء نبوت.

امام صادق «علیه السلام» می‌فرمایند: در مورد رؤیا فکر کن که چگونه خداوند در مورد آنها تدبیر به کار گرفته و راست و دروغ آن را به هم در آمیخته، اگر همه رؤیاها راست بود، مردم همه پیامبر بودند، و اگر همه دروغ بود، در رؤیا فایده‌ای نبود.

در فرمایش امام محمد باقر «علیه السلام» داریم که: «رؤیای مؤمن بین زمین و آسمان در گردش است تا آن که خودش آن را برای خود تعبیر کند، یا دیگری برای او تعبیر نماید، پس آنگاه که تعبیر کرد به زمین می‌آید و قطعی می‌شود» (کافی ج ۸ ص ۳۳۶).